



شاه جهان بیگم

حکومت وی را آشفته کرد. قدسیه بیگم، مادر بزرگ شاه جهان بیگم، از ابتدا مخالف این ازدواج بود و از سوی دیگر، مناسبات سلطان جهان بیگم نیز با مادرش به علت دخالت‌های صدیق حسن خان تیره شد. مناسبات آنان به ویژه پس از ازدواج سلطان جهان بیگم و تولد پسرهایش، که تهدیدی بالقوه برای حکومت شاه جهان بیگم محسوب می‌شدند، تیره‌تر شد و تا پایان زندگی شاه جهان بیگم ادامه یافت. به این ترتیب، حکومت بویال عملاً به دو پاره تقسیم شد؛ در یک سو، شاه جهان بیگم و صدیق حسن خان قنوجی و در سوی دیگر، سلطان جهان بیگم و اقوام پدری‌اش (اقوام باقی محمدخان نصرت جنگ) قرار داشتند (← سلطان جهان بیگم، ۲، ۱۹۱۸، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ همو، ۱۳۲۸، حصه ۱، ص ۴۱۶-۴۱۹؛ خان، ص ۱۲۶-۱۴۴).

انگلیسیها نیز که از سیاست ضدانگلیسی صدیق حسن خان ناراضی بودند، به مخالفت با وی پرداختند و با تحت فشار قراردادن شاه جهان بیگم، عنوان نوابی و دیگر عناوینی را که به درخواست وی به صدیق حسن خان داده بودند، از وی گرفتند. پس از آن، با اصرار انگلیسیها و به رغم مخالفت شاه جهان بیگم، وزیری انگلیسی به وزارت وی منصوب شد و فعالیتهایی که در دوره صدیق حسن خان متوقف شده بود، از سر گرفته شد (خان، ص ۱۳۲-۱۳۴، ۱۳۷-۱۳۸؛ لامبرت - هرلی، ۴، ص ۳۳-۳۴). هرچند، شاه جهان بیگم تلاش کرد تا القاب و عناوین صدیق حسن خان را به وی بازگرداند، تا زمان زنده بودن

شاه جهان بیگم، سومین نواب از سلسله بیگمهای بویال

(بھوپال^۱) هند و از نویسندگان و شعرای فارسی و اردوگوی سده‌های سیزدهم و چهاردهم. شاه جهان بیگم دختر سکندر بیگم و جهانگیر محمدخان، از نواب بویال، بود. او در ۱۲۵۴، در شهر اسلام‌نگر، در نزدیکی بویال به دنیا آمد. شاه جهان بیگم تنها فرزند جهانگیر محمدخان بود و پس از درگذشت وی به جانشینی‌اش برگزیده شد و چون هفت سال داشت، سکندر بیگم به نیابت از وی اداره امور را در دست گرفت (شاه جهان بیگم، ۱۲۸۹، دفتر ۲، ص ۵؛ سلطان جهان بیگم، ۱۳۳۲، ص ۲، ۱۴).

سکندر بیگم در ۱۲۷۱، با مشورت انگلیسیها، باقی محمدخان نصرت جنگ، فرمانده ارتش بویال، را به همسری شاه جهان بیگم انتخاب کرد (شاه جهان بیگم، ۱۲۸۹، دفتر ۲، ص ۷-۹، دفتر ۳، ص ۴؛ سلطان جهان بیگم، ۱۳۳۳، ص ۳۲-۴۸). سکندر بیگم از نوابی شاه جهان بیگم ناراضی بود، در نتیجه در حدود ۱۲۷۶ شاه جهان بیگم عنوان نوابی را به طور رسمی به وی واگذار کرد و خودش نیز به جانشینی او منصوب شد (شاه جهان بیگم، ۱۲۸۹، دفتر ۳، ص ۶-۷؛ سلطان جهان بیگم، ۱۳۳۲، ص ۱۲؛ خان، ۲، ص ۱۱۹). پس از درگذشت سکندر بیگم، در ۱۲۸۵، شاه جهان بیگم با تأیید انگلیسیها برای بار دوم به عنوان نواب بویال انتخاب شد و دخترش سلطان جهان بیگم^۲ نیز به جانشینی وی برگزیده شد (شاه جهان بیگم، ۱۲۸۹، دفتر ۳، ص ۵-۷؛ سلطان جهان بیگم، ۱۳۲۸، حصه ۱، ص ۴۱۰-۴۱۱).

پس از درگذشت باقی محمدخان، شاه جهان بیگم پرده‌نشینی را کنار گذاشت و خود به اداره امور پرداخت تا اینکه در ۱۲۸۸، برای بار دوم و با حمایت انگلیسیها با صدیق حسن خان^۳ قنوجی ازدواج کرد. این ازدواج دوره‌ای جدید از حکومت شاه جهان بیگم را رقم زد. او که به شدت تحت تأثیر صدیق حسن خان قرار گرفته بود، با جلب حمایت انگلیسیها عنوان نوابی را برای وی به کار برد. شاه جهان بیگم به درخواست صدیق حسن خان، دوباره پرده‌نشینی شد. به رغم اینکه شاه جهان بیگم اصرار داشت که صدیق حسن خان در اداره حکومت هیچ‌گونه دخالتی ندارد، عملاً اداره امور در دست وی بود. شاه جهان بیگم بدون هیچ قید و شرطی از صدیق حسن خان حمایت می‌کرد و به این ترتیب، اصلاحاتی که از دوره سکندر بیگم آغاز شده بود، متوقف شد (← شاه جهان بیگم، ۱۲۸۹، دفتر ۳، ص ۲۹، ۳۱-۳۲؛ سلطان جهان بیگم، ۱۳۳۲، ص ۱۸-۲۱، ۶۴-۶۵).

ازدواج شاه جهان بیگم با صدیق حسن خان و نیز واگذاری اداره امور حکومت به وی، که برخلاف قاعده بیگمهای پیشین بود، موجب اعتراضهای شدید به شاه جهان بیگم شد و اوضاع

1. Bhopal

2. Khan

3. Sultan Jahan Begum

4. Lambert-Hurley